

# درسنامه

## دوره آموزشی تربیت فرزند

تهیه کننده: اداره بهره‌وری و تحول اداری دانشگاه ایلام

## نگاهی به مراحل تربیت کودک از منظر دین

### گذری بر مراحل سه گانه تربیت فرزند

فرزند از ابتدای تولد تا ۲۱ سالگی، یعنی هنگامی که به لحاظ تربیتی از محیط خانواده دور می شود و از نظر رشد جسمی و اخلاقی — تربیتی به بلوغ نسبی می رسد، مراحل به هم پیوسته رشد و تربیت را پشت سر می گذارد. بر اساس تغییرات روحی، جسمی و عقلی که در انسان رخ می دهد، سه دوره تربیتی برای او نیاز است که پرورش وی نیز باید با شناخت ویژگی های هر دوره صورت پذیرد.

از دیدگاه دین، کودک تا هفت سال اول زندگی سید و سرور است و تعبیر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هم از این مرحله تربیتی «سیادت کودک» است. هفت سال دوم، سن **تعلیم پذیری**، اطاعت و فرمان برداری است و هفت سال سوم، سن **نظرخواهی و مشورت**. تقسیم مراحل تربیت از نگاه روان شنا سان با نظر پیامبر متفاوت است. معمولاً دوره های تربیت را شامل دوره **کودکی اول**، یعنی از تولد تا شش سالگی، دوره **دوم کودکی** را از ۶ تا ۱۲ سالگی و دوره **نوجوانی** را از ۱۲ تا ۱۸ سالگی می دانند.

### پیام متن:

توجه به مراحل سه گانه تربیت فرزند، از تولد تا ۲۱ سالگی.

### دوره اول تربیت: از تولد تا هفت سالگی؛ دوران سیادت

این دوره که سن خوشی و بازی کودک است، از زمان تولد شروع می شود. فرزند در اوان کودکی هنوز دنیای خود را نمی شناسد و به طور کامل با آن در ارتباط نیست. او نمی تواند کارهای شخصی خود را انجام دهد و از این جهت به سن رفع نیازها هم تعبیر می شود. روان شناسان به دوره (تولد تا ۲ سالگی)، سن حسّی - حرکتی می گویند. از دو سالگی جست و خیز کودک اوج می گیرد و تمایل او به بازی ها بیشتر می شود. او در این سن، از تمرکز طولانی در مسائل گریزان است و فوق العاده به دنبال تنوع طلبی و آزادی خواهی است. از دو تا سه سالگی، ارتباط کامل تری با محیط پیرامون خود پیدا می کند و کم کم قدرت تشخیص در او نمایان می شود، ولی همچنان از تصمیم گیری عاجز و به والدین متکی است.

اهمیت تربیت در سن سیادت، به این علت است که شخصیت فرد در ۵ سال اول زندگی شکل می گیرد. گزل روان شناس مشهور می گوید: «کودک در ۵ و ۶ سالگی، نسخه کوچکی از جوانی است که بعدها خواهد شد». به عقیده آلپورت روان شناسان معروف:

در حدود چهار ماهگی رشد و تقویت یادگیری کودک به حدی رسیده است که می تواند عادت سازشی و صفات اکتسابی داشته باشد. ارتباطش با محیط بیشتر می شود، تفاوت های کم و بیش تدریجی در الگوی شخصیت او پدید می آید و صفات تازه ای کسب می کند. هر چه سن کمتر باشد، اثر عوامل محیطی در ذهن پا برجاستر و استوارتر است.

ناگفته نماند، آزادی کودک در هفت سال اول زندگی به معنی رها کردن او، دادن اجازه انجام اعمال مخاطره آمیز یا خلاف ادب و بی تفاوتی نسبت به رفتارهای نادرست نسیت، بلکه یعنی نباید او را تحت فشار قرار داد یا کاری را که از توانش خارج است، به او سپرد. باید با ساماندهی اموری که می تواند انجام دهد، آزادی او را با کنترل منطقی همراه ساخت.

### پیام متن:

هفت سال اول زندگی، دوران شکل گیری شخصیت کودک است.

## کودک و رفع نیازهای تغذیه ای

یکی از مهم ترین نیازها در سنین کودکی، دریافت تغذیه مناسب، سالم و پاک است. تأکید دین بر تهیه غذای سالم و حلال به عنوان عامل زمینه ساز رشد و پرورش درست کودک، واجب شمرده شده است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید: «طلب رزق حلال بر هر مرد و زنی واجب است.» «و رزقی که از غل و غش پاک نباشد، خوشبختی نمی آورد.» ناتوانی کودک در به دست آوردن غذای سالم و مناسب که لازمه رشد و تعالی جسمی و روحی اوست، وظیفه والدین را در این امر نمایان تر می کند. درباره تأکید بر تأمین غذای پاک و حلال برای فرزند، به لحاظ پیآمدهای مثبت آن در شکل گیری شخصیت فرد، در اشعار مولوی بدین مضمون آمده است:

|                                |                              |
|--------------------------------|------------------------------|
| آن بود آورده از کسب حلال       | لقمه ای کان نور افروزد، کمال |
| عشق و رقت زاید از لقمه حلال    | علم و حکمت زاید از لقمه حلال |
| جهل و غفلت زاید آن را دان حرام | چون ز لقمه تو حسد بینی و دام |

افرادی که از مال حرام پرهیز نمی کنند و از راه های نامشروع تأمین معاش می کنند، نسلی نابهنجار و بی بند و بار به اجتماع تحویل می دهند که باعث وبال و ناراحتی برای خود و دیگران می شوند .

## پیام متن:

نیاز به تغذیه سالم و پاک، از اساسی ترین نیازهای کودک برای رسیدن به مراحل بالاتر رشد است.

## بازی و کودکی

از دو سالگی به بعد حرکت های کودک کم کم بیشتر می شود و میل به بازی همراه با کنج کاوی در او شدت می گیرد. بازی به عنوان عاملی مهم جهت رشد کودک مطرح است. در حقیقت، بازی تفکر و زندگی اوست. امام صادق علیه السلام می فرماید: «طفل تا هفت سال باید بازی کند.»

بچه ها از بازی لذت می برند و آن لحظه ها، فرصت خوبی برای اظهار احساسات، کنترل عواطف و تخلیه انرژی خود پیدا می کنند. بازی بر رشد عاطفی، اجتماعی و عقلانی کودک تأثیر فراوانی دارد.

هنگامی که کودک با برخی مشکلات در بازی روبه رو می شود و برای حل شدنش تلاش می کند، قدرت او برای رویارویی با مسائل گوناگون آینده افزایش می یابد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کسانی که بچه زیر هفت سال دارند، سفارش می کند که خود را هماهنگ با آنها کنند و کارهایی که مطابق میل آنها بازی محسوب می شود، انجام دهند.

پس زبان کودکی باید گشاد                      چون سر و کار تو با کودک فتاد

شرکت دادن کودکان در بازی های دسته جمعی، سبب می شود از انزوا بیرون آیند و روحیه همکاری و دوستی میان آنها تقویت شود. بیشتر تجربه هایی که در زمینه های مختلف در این دوره از عمر کسب می شود، از طریق بازی است. همچنین، کودک به وسیله بازی به آسان ترین شکل به شناخت جهان پیرامون خود می رسد. پس، بازی در زندگی بچه ها، نه تنها تفریح نیست که باید در حقیقت جدی ترین کار آنها دانست.

بهترین لحظات زندگی امام حسن و امام حسین علیهما السلام، زمان بازی ایشان با جد گرامی شان، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پدر بزرگوارشان، حضرت علی علیه السلام در قالب ارتباطی صمیمانه شکل می گرفت. بارها حضرت پیامبر سجده نماز خود را طولانی می کرد تا حسنین علیهما السلام که کودکانی پر جست و خیز بودند و به زحمت بر پشت پیامبر سوار می شدند، از بازی سیر شوند.

در حدیثی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل است :

تَسْتَجِبُّ عِرَامَةُ الْغَلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَكِيمًا فِي كِبَرِهِ.

خوب است فرزند در سنین خردسالی بازیگوش باشد تا در سنین بزرگسالی بردبار و صبور باشد.

### پیام متن:

تأثیر عمیق بازی کودک، در رشد و تعالی شخصیت او.

### تربیت کودک در بعد مذهبی

خانواده مناسب ترین بستر برای پیدایش رفتارهای مذهبی است. از آن جا که تربیت مذهبی کودک دارای سیر منطقی و منظمی است، به رعایت تناسب بین مفاهیم آموختنی به کودک و سن او، در اسلام توجه خاصی شده است. آنچه به کودک درباره آموزه های دینی ارائه می شود و او یاد می گیرد، فقط از طریق تکرار، تقلید و آشنایی است. مفاهیم مذهبی با بالاتر رفتن سن او کمتر می شود و تعقل و تفکر جای تقلید صرف را می گیرد. توصیه شده است در سه سالگی به کودک کلمه: «لا اله الا الله» را یاد دهید، در چهار سالگی «محمد رسول الله صلی الله علیه و آله» و در پنج سالگی روی او را به قبله متوجه کنید تا با مقدمات نماز آشنا شود.

البته اجبار کودک به یادگیری مفاهیم و اعمال مذهبی بسیار اشتباه است؛ چرا که با خوشی و سروری او در تعارض است و گاه منجر به سرخوردگی، لج بازی و بی رغبتی نسبت به مسائل مذهبی می شود، بلکه باید نسبت به این امر، کاملاً ظریفانه برخورد کرد.

در این سنین، کودک به نوع رفتارها و عملکرد والدین در موقعیت های گوناگون توجه ویژه دارد و به صورت غیرمستقیم آنها را می آموزد. بنابراین، واکنش افراد خانواده نسبت به مسائل مذهبی بر او تأثیر عمیقی می گذارد و زمینه گرایش یا طرد مذهبی در او فراهم می آید. انجام عبادت ها در حضور فرزند، او را تشنه هم رنگی با آنان می کند.

اگر والدین و بزرگ ترها در صورت علاقه مندی و همراهی کودک در این زمینه، پاداشی برای تشویق او در نظر بگیرند، کودک را برای تکرار عمل شایسته اش مشتاق تر می سازند. تشویق و تقویت رفتار مثبت کودکان، سبب شکل گیری عادت های ارزشمند در آنان می شود. زمانی باید کودک را تشویق کرد که رفتار پسندیده ای از او سر بزند که البته، می تواند به صورت کلامی، غیرکلامی، مادی و معنوی، مستقیم یا غیرمستقیم باشد. درباره روش مناسب یاددهی مفاهیمی چون خدا، قیامت و غیره این نکته مهم است که شناخت و ادراک کودک در این سنین، بیشتر حسی است و بنا به اقتضای سن و سالش، نمی تواند مسائل را به صورت عقلانی درک کند. از این رو، بهتر است او را با نشانه ها و زیبایی های محسوس خلقت آشنا کرد و این گونه او را متوجه آفریننده ساخت. چنین شناختی احساسی خوشایند نسبت به خدا در او پدید می آورد که در پایداری رابطه وی با خداوند و پیدایش رفتارهای مثبت دینی مؤثر است.

در مقابل باید از بیان شدت عذاب جهنم و مسائلی این چنین و ارائه چهره ای خشمگین و غضبناک از خداوند که در فاصله گرفتن کودک از خدا تأثیر دارد پرهیز کرد.

### پیام متن:

از وظایف والدین، آشناسازی کودک با مفاهیم دینی، یاددهی انجام عبادات، به همراه تشویق بیان محبت و الطاف خدا به شیوه ای ساده و ایجاد احساس خوشایند در او نسبت به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است.

### دوره دوم تربیت: از ۷ تا ۱۴ سالگی؛ دوران تأدیب و آموزش

در این دوره تغییرات محسوسی در تن و روان کودک پدید می آید. جسم او نسبتاً قوی تر، ذهنش رشد یافته تر و فهمش بیشتر می شود. رابطه اجتماعی وی با مادر کمتر می شود و شور و علاقه خاصی برای ارتباط با دیگر کودکان نشان می دهد، تا جایی که پس از پذیرش از سوی هم سالان و افراد گروه به آرامش می رسد. کودکان در این سن و سال تا حدودی خوبی ها و بدی ها را درک می کنند، ولی از آن جا که هنوز به رشد کافی عقلانی برای تشخیص مصلحت خود نرسیده اند، نیازمند آگاهی و تربیت مستقیم هستند.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هفت سال دوم را سن پیروی و فرمان برداری می داند و امام جعفر صادق علیه السلام سفارش می کند: «فرزند خود را در هفت سال دوم با آداب و روش های مفید و لازم تربیت کنید».

در این دوران نباید به کودک آزادی کامل داد و از اشتباهات و خلاف هایش چشم پوشید، شایسته است او را از بی ادبی های احتمالی نیز باز داشت، به نظم و انضباط عادت داد، با برنامه ریزی درست او را از بی توجهی به لحظه ها و بیهوده گذرانی دور کرد. به یقین، اگر کودک دوران سیادت را به طور طبیعی و در محیطی مناسب و اطمینان بخش سپری کرده باشد، در دوران تأدیب دارای نوعی تعادل روانی خواهد بود و برای اطاعت پذیری و حرف شنوی از والدین مقاومت به خرج نمی دهد.

### پیام متن:

هفت سال دوم زندگی فرزند، دوران فراگیری تربیت است که هر چه بهتر هفت سال اول را طی کرده باشد، در این دوره موفق تر است.

### تعلیم و آموزش نوباوگان

از آن جا که رشد مغز کودک در هفت سال دوم بیشتر شده و آمادگی لازم برای یادگیری را پیدا کرده است، مهم ترین وظیفه والدین و مربیان [در این سال ها]، آموزش و تعلیم ذکر شده است. یادگیری در سنین کودکی عمیق

تر و ریشه دارتر است؛ چرا که ذهن کودک آسوده و بی مشغله از مسائل زندگی است و قدرت گیرندگی او قوی تر است.

آموزش رسمی از شش سالگی شروع می شود و یادگیری او به تدریج همراه با تعلیمات مدرسه ای، از محیط و مسائل و افراد گوناگون پیرامونش ادامه می یابد.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد آموزش مسائل دینی می فرماید:

وقتی فرزند شما به شش سالگی رسید، رکوع و سجود را به او یاد دهید. در هفت سالگی برای وضو ساختن آماده اش کنید و به نماز خواندن ترغیبش کنید. بدانید که با یاد دادن نام خدا به کودک، عذاب الهی از معلم و پدر و مادر برداشته می شود.

نکته بعدی، توجه به آموزش و پرورش کودکان در زمینه های هنری، ورزشی و مهارت های اجتماعی است. صرفاً نباید به آموزش های نظری بسنده کرد، بلکه لازم است با پرورش صحیح کودکان، به کشف استعداد های پنهان جسمی و ذهنی شان پرداخت. در آموزه های دینی آمده است که به فرزندان خود اسب سواری، شنا و تیراندازی آموزش دهید. حضرت علی علیه السلام با تأکید بر آشنا سازی کودکان با آداب و روش های مفیدی که در زندگی به کار می آید، یادآور می شود که فرزندان شما برای دوره ای غیر از زمان شما باید آماده و مهیای فعالیت شوند. لازمه زندگی اجتماعی سالم و پر بار، شخصیتی پرورش یافته با آمادگی روانی، برخوردار از مهارت های اجتماعی و با اعتماد به نفس بالاست که در صورت توجه دقیق به تمام ابعاد شخصیت کودک می توان به چنین هدفی دست یافت. زمانی که نیازهای زیستی و عاطفی کودک به طور کامل تأمین شود، زمینه کنج کاوی و فعالیت های ذهنی و عملی بیشتر، برای او فراهم می آید.

اهمیت دادن به پرسش های جست و جوگرانه کودکان و پرورش قدرت تخیل آنان، امری بسیار ضروری در جهت رشد ذهنی و پایه ریزی متعادل شخصیت آنان است. بیان پاسخ های ساده و روشن به ابهامات ذهنی کودکان، قصه گویی یا خواندن داستان های ساده و آموزنده یا مشارکت دادن آنها به حل مسائل خانواده، از جمله روش هایی است که در پرورش ذهنی کودک مؤثر است.

### پیام متن:

توجه به آموزش کودک در زمینه های هنری، ورزشی و مهارت های اجتماعی.

## توصیه های عملی به منظور تقویت ایمان مذهبی در کودکان

- ۱- برای تثبیت ایمان در دل فرزندان بینش های او را درباره خدا صحیح و عمیق کنید. و به پرسش های او در مورد خداوند جواب های درست و در حد فهم او بدهید.
- ۲- برای تقویت ایمان فرزند به خدا و پذیرش توانایی های خودش، جمله های مثبت را بر روی کاغذی بنویسید و بر در و دیوار و محل دید او قرار دهید، برای مثال:
  - برای سلامتی، توانگری، زیبایی و قدرتم از خداوند سپاسگزارم.
  - خدا همه جا با من است و همه چیز نیکوست.
  - قدرت و بزرگی خدا برتر و پایدارتر از دیگران است.
  - من با ایمان به خدا، در کارهایم موفق می شوم.
- ۳- مفهوم مرگ را برای او به صورت مثبت بیان کنید. به او بگویید مرگ یک میهمانی بزرگ و با شکوه نزد خداست. بدین وسیله، آگاهی و شناخت او را از مرگ بالا می برید و ترس از این مسئله را در او کاهش می دهید .
- ۴- به او یاد دهید با خدا درد دل کند، صحبت کند، تشکر کند و کمک بخواهد، به ویژه در مواقع حساس مثل: امتحان دادن.
- ۵- برای تقویت ایمان دینی، محبت به ائمه اطهار علیهم السلام را در سرلوحه برنامه های تربیتی کودک خویش قرار دهید؛ چرا که محبت به آنان، انسان را به ارادت و هم رنگی با آنچه خدا می خواهد، توفیق می دهد. بدین منظور، بیان داستان های دوران کودکی امامان معصوم علیهم السلام بسیار سودمند است.
- ۶- با بالا بردن قدرت ایمان در فرزندان، او را در برابر تحمل مشکلات مقاوم تر و برای پذیرش مسئولیت های بزرگ تر آماده سازید.

## تربیت جنسی کودک

مسئله مهمی که باید در دوره نوباوگی به آن توجه شود، نوع رفتار و تربیت جنسی کودک است. او هم زمان با رشد عقلی و ذهنی، غرایزش بیدار می شود. غریزه جنسی از ۸ تا ۱۱ سالگی نمایان و به تدریج قوی تر و آگاه تر می شود تا به بلوغ برسد. برای جلوگیری از انحرافات احتمالی و تربیت صحیح جنسی، باید والدین نسبت به روش های صحیح رفتار جنسی و راه های پیشگیری از گرفتاری ها آگاه باشند.



دختران از لحاظ جسمانی، سریع تر از پسران رشد می کنند و علاقه خود را نسبت به جنس مخالف درک می کنند. حضرت علی علیه السلام نامحرم را از بوسیدن دختر شش ساله نهی می کند. و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جداسازی بستر فرزندان، به ویژه پسر از دختر تأکید می فرماید.

رعایت حریم در روابط زناشویی پدر و مادر و کنترل رفتارهای جنسی، از نکته های مهمی است که باید به آن توجه داشت. در روایت های متعدد، از هم بستری در جایی که کودک ممیز یا حتی نوزاد بیدار حضور دارد، نهی شده و حتی احتمال انحراف برای چنین کودکی پیش بینی شده است.

در تربیت صحیح جنسی کودک، درک دقیق والدین از شرایط کودک بسیار مهم است. خط مشی فکری و عقیده متضاد والدین درباره مسائل جنسی، مشکل ساز است. از طرفی نباید به طور کلی به اولین بیداری جنسی کودک بی اعتنایی کرد و از سویی نباید به سرعت در برابر آن واکنش نشان داد و با نصیحت و پند افراطی او را ترساند. گرچه بلوغ جنسی در سنین بالاتر از دبستان اتفاق می افتد، تمایلات جنسی تنها مختص به دوره بلوغ نیست، بلکه مدت ها پیش از آن به صورت احساس ویژه در تحریکات وجود داشته است. بسیاری از عادت های کودکان در این مورد، ممکن است از نگاه پدر و مادر مخفی بماند که باید با آگاهی از آنها، برخورد مناسب با او کرد. برای مثال: پسر بچه ممکن است در هنگام تحریک جنسی خود را بیشتر به مادر نزدیک کند و به اصطلاح لوس شود یا اصرار کند نزد مادر بخوابد. در این باره امام محمدباقر علیه السلام هشدار می دهد: «بایستی رختخواب پسر ده ساله از بستر زنان جدا باشد».

### پیام متن:

در جریان تربیت جنسی، باید خردسالان را با مسائل بهداشتی ویژه آشنا ساخت و به صورت غیرمستقیم از پیآمدهای منفی عادت های غلط جنسی و بیماری هایی که به دنبال دارد، آگاه کرد تا در روند رشد خود، افزون بر پذیرش نقش جنسیتی خاص خود، دچار مشکل نشوند.

### توصیه های عملی پیرامون تربیت جنسی

- ۱- موقع ورود به اتاق کودک در بزنید و او را از حضور خود آگاه کنید.
- ۲- از کنترل شدید و ایجاد ترس در او نسبت به احساس جنسی بپرهیزید.
- ۳- محل خواب فرزندان تان را جدا کنید (بهتر است بعد از هفت سالگی باشد).
- ۴- اگر بچه ها در اتاق با یکدیگر بودند، به بهانه های مختلف باید به اتاق آنها رفت و آمد کرد تا بدانند هیچ کجا کاملاً امن و خالی از مراقب نیست.

۵- از بدو تولد نوزاد، دختران را به شیوه دخترانه و پسران را به شیوه پسرانه بزرگ کنید. برای مثال: نوع لباس، اسباب بازی و غیره با توجه به جنسیت آنان انتخاب شود.

۶- در حضور فرزندان با رعایت حیا و عفاف، از ابراز احساس شدید پرهیز کنید.

۷- در این سنین کودکان به مقایسه اندام خود با والدین می پردازند، بنابراین با اندام پوشیده آنها را به حمام ببرید و مسائل بهداشتی مخصوص به هر جنس را به آنان یاد دهید.

### زمان مناسب برای آغاز تربیت فرزند

برخی معتقدند سن مناسب برای آغاز تربیت، از هفت سالگی به بعد است. این عده معمولاً به کلام پیامبر که فرموده‌اند تا هفت سالگی، سن سیادت و امیری فرزند است، استناد می‌کنند و می‌گویند بچه باید تا هفت سال آزاد باشد. غافل از اینکه ایشان در فهم توصیه‌ی رسول رحمت، دچار خطا شده‌اند.

درست است که بر اساس این فرمایش پیامبر، نباید با بکن نکن‌های آمرانه و پی در پی، مجال کودکی کردن و لذت و شادی را از ایشان بگیریم. چراکه به قول پروین اعتصامی :

«بهره از کودکی آن طفل چه بُرد      که نه خندید و نه جست و نه دوید».

اما معنای این سخن این نیست که تا هفت سال بچه را آزاد بگذاریم تا هر کاری که دلش خواست انجام دهد و ما هم هیچ عکس‌العملی نشان ندهیم یا به او تذکری در راستای تربیتش ندهیم. بلکه بنا به فرمایش پیامبر باید با بچه مانند یک سرور و امیر رفتار کنیم. یعنی تکریمش کنیم، مدام امر و نهی نکنیم، برایش وقت بگذاریم، حوصله به خرج دهیم، اگر خطایی کرد، مانند وزیری که به امیر و پادشاه خود، مشاوره می‌دهد و با ادب و احترام، اشتباهات یا تصمیمات عجولانه‌اش را تصحیح می‌کند، با فرزندمان رفتار کنیم. اطرافیان امیر که به محض دیدن یک ناپختگی یا خطا از پادشاه‌شان، با او تندی نمی‌کنند. می‌گردند بهترین عبارتی را که به جایگاه شاهانه‌ی او هم آسیبی نزنند، پیدا می‌کنند. در بسیاری از موارد خود شاه را محور قرار می‌دهند تا اثرگذاری حرف‌شان بیشتر شود. مثلاً می‌گویند: «قبله‌ی عالم! این کاری که می‌خواهید انجام دهید، به ضرر شماست!»

ما هم باید با کودکانمان با نرم‌ترین و محترمانه‌ترین جملات صحبت کنیم و آنها را متوجه اشتباه‌شان نماییم؛ نه با سرزنش و توبیخ یا اجبار و تنبیه.

بچه‌ای که مُدام با داد و اجبار و ترس از تنبیه به انجام کاری وادار شود، در سنین بالاتر به محض اینکه روزنه‌ای برای فرار از آن فشارها پیدا کند، بر خلاف آنچه خواست والدینش بوده، رفتار خواهد کرد. چراکه منشأ رفتار او زور

و ترس بوده، نه فهمِ درستی یا نادرستی آن فعل. در مقابل، کودکی که با احترام و محبت بزرگ شده و والدینش در کمال حوصله به او مشاوره داده‌اند، وقتی به سن بلوغ یا بعد از آن می‌رسد، دارای خودکنترلی است و حتی بدون نظارت مستقیم بزرگترهایش، به گونه‌ای رفتار می‌کند که پدر و مادر به او آموخته‌اند.

بنابراین، منظور پیامبر این نیست که بچه را آزاد بگذاریم تا هر خطایی انجام دهد، میخ در پریز برق فرو کند، با چرخ گوشت بازی کند، وسایل دیگران را به زور از دست‌شان بگیرد، جلوی بقیه برهنه شود، میوه‌ها را نیم خورده رها کند، ... بلکه مقصود این است که اولاً درباره‌ی کودکان زیر هفت سال، بکن نکن و زور و تنبیه و تضعیف شخصیت نداشته باشیم؛ ثانیاً برای اصلاح رفتارشان، با مهربانی و احترام تذکر دهیم.

لذا اینکه بگوییم بر اساس فرمایش پیامبر، تربیت فرزند را باید از هفت سالگی آغاز کنیم، برداشت و تفسیری نادرست از کلام ایشان است. رسول خدا هیچ‌گاه نفرمودند تربیت تا هفت سالگی، تعطیل است؛ بلکه ایشان توصیه کرده‌اند در تربیت کودکان زیر هفت سال، روش ویژه‌ای به کار ببریم که با روحیه و سن و سال آنها منطبق باشد.

از طرفی، برخی معتقدند سن دو یا سه سالگی، زمان مناسبی برای آغاز تربیت است. بعضی هم این زمان را تا بدو تولد و یا حتی دوران جنینی عقب می‌برند. اما آنچه مکتب تربیتی اهل بیت علیهم السلام به ما می‌آموزد این است که زمان مناسب برای آغاز تربیت فرزند، به پیش از بارداری، بلکه به پیش از ازدواج باز می‌گردد.

## **ارتباط تربیت ما با تربیت فرزندان**

همانطور که گفته شد پایه‌ی تربیت فرزند، پیش از ازدواج والدین بنا می‌شود. به بیان دیگر، تربیت هر کودکی در گرو تربیت، اخلاق و شخصیت پدر و مادر او شکل می‌گیرد و واضح است که تربیت آنها هم به دوران کودکی و تجردشان مرتبط است. به یاد داشته باشیم فرزندان ما آنگونه که ما دوست داریم، نمی‌شوند؛ بلکه آنگونه می‌شوند که هستیم!

روحی که آسیب دیده، به سختی می‌تواند بارور کننده‌ی فرزندی سلیم النفس شود.

چشم ناپاک، فکر افسارگسیخته، روح ناآرام، ... چگونه می‌تواند بستر تولد فرزندی با خصلت‌های والای انسانی ایجاد نماید؟ از مردی که حلال و حرام الهی را در کسب و کارش رعایت نمی‌کند، چگونه انتظار داشتن فرزندی حلال خوار برود؟ زنی که عفت و حیا را رعایت نمی‌کند، چگونه فرزندی با حیا تربیت کند؟

افرادی که از کودکی عادت به دروغ گفتن داشته‌اند، کسانی که همیشه شلخته و بی‌نظم هستند، آنهایی که حرمت پدر و مادرشان را نگاه نمی‌دارند، ... برای آنکه در آینده فرزندی راستگو یا منظم و یا خاضع در برابر والدین داشته

باشند، باید بسیار بسیار بیشتر از دیگران تلاش کنند. در نهایت هم احتمال اینکه رفتار فرزندشان چیزی متفاوت از تربیت و رفتار خودشان شود، پایین خواهد بود.

بنابراین، تصور نادرستی است که آغاز تربیت فرزند را از زمان بارداری و تولدش بدانیم. بلکه باید به این نکته‌ی مهم توجه داشته باشیم که تربیت فرزندمان از کودکی خود ما آغاز شده و پدر و مادر، مستقیماً در تعیین طینت و طبع فرزندی که خدا می‌خواهد توسط آنها خلق کند، دخالت دارند.

پس اگر فرزندان با طبع خوب و طینت پاک می‌خواهیم و چنانچه در آرزوی نوگلانی صالح و با تربیت نیکو هستیم، باید به خودمان بیاییم.

اگر گذشته‌ای پر خطا و سیاه داشته‌ایم یا چنانچه شایسته است، در مسیر رضای خدا نبوده‌ایم، می‌توانیم همین لحظه تصمیم بگیریم که این اوضاع نابسامان را تغییر دهیم.

- بابت خطاهای گذشته استغفار کنیم؛
- در جهت اصلاح یا جبران رفتار نادرست‌مان تلاش نماییم؛
- با پروردگار خود، خلوت کنیم و بگوییم می‌خواهیم سرنوشت خود و فرزندمان را اصلاح کنیم.
- امیدمان را از دست ندهیم و بدانیم خداوند، غفار الذنوب و ارحم الراحمین است.
- از رحمت و وسعتی خدا - امام زنده‌ی زمان - بخواهیم در این مسیر یاری‌مان کند تا ان شاءالله صاحب فرزندان صالح که مایه‌ی رضایت خدا و حجتش هستند، شویم.

### **تأثیر انتخاب همسر در تربیت فرزند!**

هنگامی که مردی به خواستگاری خانمی می‌رود و یا خانمی به پیشنهاد ازدواج آقای پاسخی مثبت می‌دهد، در واقع در حال انتخاب کردن مادر یا پدر فرزندش نیز هست. او با این انتخاب، تصمیم می‌گیرد فرزندش از خصوصیات خلقی و خلقی چه کسی ارث ببرد.

یادمان باشد همچنانکه رنگ چشم و مدل مو و حالت چهره (خصوصیات خلقی) از پدر و مادر به فرزند منتقل می‌شود، خصوصیات خلقی و رفتاری نیز به از ایشان به ارث می‌رسد. اگر پدر یا مادری تند خو باشد، یا حسود باشد، خسیس، افسرده، شکاک یا تنبل و بی‌مسئولیت باشد، ... هنگام انعقاد نطفه این خصوصیات را به فرزندش

انتقال می‌دهد. در مقابل، شجاعت، سخاوت، مهربانی، بردباری، ... هم می‌تواند از طریق وراثت از والدین به فرزند، منتقل شود.

شاید داستان محمد حنفیه را در جنگ جمل شنیده باشید. محمد حنفیه یکی از فرزندان امیر مومنان از مادری به نام خولۀ دختر ایاس حنفیه بود. حضرت علی علیه السلام در جنگ جمل، به محمد حنفیه ماموریتی دادند؛ اما محمد درنگ کرد و گفت «یا امیرالمومنین؛ این تیرها را نمی‌بینید که مثل قطرات باران از آسمان می‌بارند؟» حضرت علی که دیدند پسرشان ترسیده، به سینه‌ی او زدند و پدرانۀ گفتند «این رگه‌ی ترس را از مادرت به ارث برده‌ای.» یعنی من درک می‌کنم ترست ناشی از چیست؛ این ترس را از مادرت به ارث برده‌ای. بعد برای اینکه به محمد حنفیه فرصت داده باشند که بر ترسش غلبه کند، پرچم را خودشان بر دست گرفتند و به سمت دشمن تاختند. پس از مدتی بازگشتند و پرچم را به محمد دادند و گفتند حالا برو و تعلل اولیهات را جبران کن.

از آن طرف، این نکته را هم داریم که امیر مومنان مدت‌ها پس از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، به برادرشان که نَسَب شناس بود، گفتند به دنبال همسری شجاع برای ایشان باشد تا فرزندی که به دنیا می‌آورد هم، شجاع و دلیر باشند. عقیل، «ام البنین» را پیشنهاد کرد که دختری باتقوا و با کمالات اخلاقی منحصر بفرد بود و خاندانش در شجاعت، کرم، اخلاق، هنر و وجاهت اجتماعی و بزرگواری پس از قریش، سرآمد قبایل دیگر بودند. عقیل به امیر مومنان گفت: «با ام البنین ازدواج کن زیرا در عرب شجاع‌تر از پدران و خاندان وی نیست.» حضرت عباس و سه برادر شجاعش که در واقعه‌ی کربلا دلیرانه از امام زمان‌شان دفاع کردند، ثمره‌ی همین ازدواج بودند.

همچنانکه در این دو نمونه مشاهده نمودید، محمد حنفیه و حضرت عباس هر دو، پسران امیرالمومنین بودند اما از مادران‌شان خصوصیات را به ارث برده بودند که در حالات و روحيات این دو برادر، تاثیر متفاوتی گذاشته بود.

از همین روست که رسول رحمت همواره سفارش می‌کردند در انتخاب همسر به اصل و ریشه و خانواده‌ی او هم توجه داشته باشید. چراکه رگ و ریشه‌ی زن و مرد در خصوصیات فرزندشان تاثیرگذار است. اصالت خانوادگی مهم است. البته اصالت به معنای صحیح آن. وگرنه اینکه برادرش پزشک است، پدرش وکیل است، مادرش استاد دانشگاه است، نشانه‌ی اصالت نیست. باید دید آیا صداقت، اعتقاد به خدا، مردم‌داری، مهربانی، خانواده دوستی، حق‌پذیری، امانتداری، حلال‌خواری، ... در این خاندان ارزش محسوب می‌شود؟ آیا به آن پایبند بوده‌اند؟

بنابراین، تا اینجا به این جمع بندی رسیدیم که: شرایط تربیتی و اخلاقی من یا همسر من و مجموعه‌ی رفتارها و گفتارهای ما، به شدت و مستقیماً در تربیت فرزندمان و شکل‌گیری عادات و صفات او و حتی تعیین طبع و طبیعتش تاثیر خواهد داشت. این، یعنی تربیت فرزند، به سال‌ها پیش از ازدواج پدر و مادرش باز می‌گردد؛ حتی به نسل‌های پیش‌تر!

طبیعتاً آنچه در نسل‌های پیش اتفاق افتاده، از دست ما خارج بوده؛ اما اصلاح رفتار خودمان و یا حتی کم کردن تأثیرات منفی که از نسل‌های قبلی بر زندگی ما و فرزندانمان سایه انداخته، تحت اختیار و تصمیم‌گیری ماست. پیش از هر چیز خاضعانه و عاجزانه از درگاه رحمت الهی طلب کنیم و از امام مهربان‌مان بخواهیم تا ما را در این مسیر پرچالش یاری کنند.

افرادی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، علاوه بر خودسازی و اصلاح رفتار خود، شریکی برای زندگی انتخاب کنند که دارای سجایای اخلاقی و صفاتی نیکو باشد و بتواند زمینه‌ی تربیتی شایسته‌ای برای فرزندشان به ارمغان آورد. در این مسیر هم توکل به خدا و تمسک به امام‌زمان را فراموش نکنیم.

حالا فرض کنیم زن و مرد، از مرحله‌ی انتخاب همسر گذشته‌اند و با هم ازدواج نموده‌اند. هر کدام هم تلاش کرده‌اند رفتارهای ناشایست‌شان را اصلاح کنند و با تمرین و جهاد نفس، واجد خصایص رفتاری پسندیده‌ای همچون مهربانی، صداقت، امانتداری، بخشندگی، پاک‌چشم و دل، ... گردند. در مرحله‌ی بعد، باید ملاحظاتی را پیش از انعقاد نطفه و حین انعقاد نطفه رعایت کنند تا ان‌شاءالله مقدمات تولد فرزندی صالح ایجاد گردد. در جلسات آینده به این موضوع خواهیم پرداخت.

### نکات مهم :

- مقصود از کلام رسول خدا از اینکه فرمودند هفت سال نخست زندگی، بازه‌ی سیادت و امیری فرزند است، این نیست که تربیت فرزند از بعد از هفت سالگی آغاز شود. بلکه باید در تربیت او در این بازه‌ی زمانی از روش ویژه‌ای که مناسب سن و روحیه‌شان است، استفاده گردد. مثلاً بدون امر و نهی، خشونت، تهدید، اجبار، ...
- بر اساس آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، آغاز تربیت فرزند، به پیش از ازدواج والدین باز می‌گردد.
- علاوه بر خصوصیات خلقی (مانند رنگ چشم و ...)، خصوصیات خلقی (مانند خساست یا شجاعت) نیز از والدین به فرزندان ارث می‌رسد.
- یادمان باشد فردی را که به عنوان همسر انتخاب می‌کنیم، انتقال‌دهنده‌ی یک سری صفات اخلاقی و تربیتی خاص به فرزندمان خواهد بود.
- پیش از اقدام به فرزندآوری، با خودسازی، نواقص تربیتی و اخلاقی خود را تا حد ممکن برطرف نماییم تا بستر تربیتی مناسبی برای فرزندمان ایجاد گردد.

- در مسیر خودسازی و اصلاح خطاهای گذشته، استغفار، جبران، پشتکار، نا امید نبودن از رحمت خدا را فراموش نکنیم.

- از خدا و امام زنده‌ی زمان بخواهیم ما را در اصلاح رفتار خود، انتخاب همسر شایسته و تربیت فرزند صالح یاری فرمایند.

موفق و پیروز باشید